

بسمه تعالی

مشکلات و موانع مددکاری اجتماعی در زندان

مرتضی مقیسه

کارشناس مسئول مشاوره و مددکاری
اردوگاه حرفه آموزی و کاردرمانی سمنان

۱۳۹۵

چکیده:

در خصوص تاریخچه مددکاری اجتماعی حرفه ای اغلب اندیشمندان و صاحب نظران، انگلستان را نخستین کشوری می دانند که اقدامات اولیه را برای شکل دادن به خدمات اجتماعی انجام داده است. از دلایل آن هم میتوان به نقش کلیسا در حمایت از گروههای نیازمند و فقیر اشاره کرد. این حمایتها تا اواخر قرن پانزدهم ادامه پیدا کرده بود. تا اینکه شیوع بیماری طاعون موجب از بین رفتن ۲۵ درصد از مردم آن کشور و افزایش شمار بیکاران و ولگردان و گدایان و نیز مهاجرت روستائیان به شهرها شد. بدین سبب، دولت انگلیس قانون معروف به ((قانون فقرای الیزابت)) را تصویب کرد.

واژگان کلیدی:

مددکاری اجتماعی، زندانی و خانواده، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی

مقدمه:

عشق خدمت به هموعان در ذات بشر بوده و میل به مساعدت و امداد از جمله گرایش های فطری انسان هاست. در همه ادوار تاریخ، مردم همواره در بحران ها، مشکلات و گرفتاری ها به یاری یکدیگر می شتافتند. در ادیان و مذاهب الهی نیز بر عرضه خدمات مددکاری و دستگیری از نیازمندان و سرپرستی ایتام، سالمندان و از کار افتادگان تاکید فراوان شده است. در دین مبین اسلام نیز در آیات و روایات متعدد بر خدمت رسانی به افراد نیازمند، سالخوردهگان، ایتام، بیوه زنان، در راه ماندگان، فقرا و مساکین همواره تاکید شده است. ((

خدای یکتا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایگان و بیگانه و دوستان موافق و رهگذران و بندگان و پرستاران که زیر دست شمایند نیکی و مهربانی کنید که خدا مردم خودپسند و مغرور را دوست ندارد.)) نساء، آیه ۳۶.

بر اساس این قانون، افراد نیازمند حمایت در سه گروه قرار می گرفتند:

۱- بیکاران سالم یعنی آنهایی که قابل استخدام بودند ولی به علت بیکاری از راه تکدی گری زندگی می کردند.

۲- معلولان، کهنسالان، بیماران و کسانی که توانایی کارکردن نداشتند، یعنی در واقع متکدیانی که قابل استخدام نبودند.

۳- افراد بی سرپرست زیر ۱۸ سال

توماس چالمرز کشیش اسکاتلندی برخی او را پدر مددکاری اجتماعی معرفی می کنند در سال ۱۸۱۴ نظریه هایی در مورد چگونگی کمک به نیازمندان مطرح کرد که از نظر مددکاری سازمان یافته تر و حائز اهمیت است، او پیشنهاد کرد برای نیازمندان آموزشهای حرفه ای ویژه هوش، توانایی و خصوصیات اخلاقی اعمال شود تا سطح توان آنان مشخص گردد. چالمرز به شناخت نیاز و نیازمندان و تشویق نزدیکان و خویشاوندان به حمایت از نیازمندان تاکید فراوان داشت. کشور ما نیز یکی از کهن ترین سرزمینهایی است که تندیشه ها و باورهای انسان دوستی و نیکوکاری و دستگیری از مردم نیازمند در آن بر پایه اعتقادات دینی و ارزشهای

فرهنگی بنا شده است. با این پیشینه تاریخی و فرهنگی خدمات حمایتی و مددکاری در کشور ایران اغلب توسط افراد خیر و موسسات خیریه با زمینه مذهبی ارائه می شد.

نخستین نهادهای دولتی خدمات بهزیستی مانند پرورشگاهها، آسایشگاهها و مراکز نگهداری به افراد بی سرپرست در سال ۱۳۱۶ با کمک بلدیة ها (شهرداری ها) و دولت تاسیس گردید.

لذا در ادامه با مشکلات مددکاری و موانع موجود آن در زندانها به بحث خواهیم پرداخت.

تعریف مددکاری اجتماعی: مددکاری اجتماعی یک خدمت حرفه ای است که بر دانش و مهارتهای خاصی قرار گرفته است. هدف از آن کمک به افراد، گروهها و یا جامعه است تا بتوانند استقلال شخصی، اجتماعی و رضایت خاطر فردی و اجتماعی را بدست آورند.

پرلمن در تعریف مددکاری آورده: مددکاری اجتماعی فعالیت و شیوه ای است که برخی از موسسات رفاهی آن را به مراجعان خود عرضه میدارند و به آنان یاری می دهند تا با کارایی بیشتر با مشکلاتی که در انجام دادن کار و وظایف اجتماعی خود با آن روبرو شده اند مقابله کنند. با توجه به تعاریف فوق در می یابیم مددکاری اجتماعی نوعی خدمت است که به افراد، گروهها یا جامعه عرضه میشود، این خدمات بر پایه دانش و مهارتهای خاصی است که آموخته میشود، همچنین بر افزایش کارایی مراجعان تاکید دارد، تا از طریق آشنایی با منابع و امکانات موجود و آموختن مهارت بتوانند مسائل و مشکلات را پشت سر بگذارند و یا به گونه ای هدفمند آنرا مدیریت نمایند.

مشکلات مددکاری اجتماعی در زندان:

حوزه فعالیتهای مددکاران اجتماعی در زندانها بسیار گسترده و با توجه به جامعه هدف - زندانیان و خانواده های آنان - عرضه خدمات اجتماعی با چالشها و پیچیدگی های ویژه ای همراه است، در اینجا چالشهای مددکاری در زندان در سه محور دسته بندی و تشریح میگردد:

۱- مشکلات مربوط به مراجع (زندانی) ۲

۲- مشکلات مربوط به مددکاران اجتماعی زندان

۳- مشکلات مربوط به شرایط حبس و زندان.

مشکلات مربوط به مراجع (زندانی):

مددکاری اجتماعی مانند هر رشته و حرفه دیگری دارای اصولی است، که پایبندی به این اصول و اجرای آن برای دست یابی به هدف – توانمند سازی مراجعان – ضروری است. این اصول شش گانه شامل: ((اصل پذیرش، اصل فردیت، اصل رازداری حرفه ای، اصل خود آگاهی مددکاری اجتماعی، اصل رابطه حرفه ای و اصل مشارکت مراجع)) می باشد. لازم به ذکر است برای دستیابی به اهداف مددکاری اجتماعی، اجرای این اصول در کنار هم یا به صورت جداگانه اساسی است، و چنانچه یک یا چند اصل اجرا نشده یا به صورت ناقص اجرا شود به همان میزان دستیابی به اهداف، مشکل یا غیر ممکن خواهد بود. بر این اساس از مهمترین مسایل و مشکلاتی که مددکاران اجتماعی در رابطه با مددجو در زندان با آن مواجه میباشند ایجاد ((رابطه حرفه ای)) و تحقق ((اصل مشارکت مراجع)) است. برای روشن شدن مطلب باید اشاره کرد که به طور کلی افراد به سه روش زیر به مددکار اجتماعی یا موسسه خدمات اجتماعی مراجعه می کنند.

نخست: افرادی که خود به موسسه یا مددکار اجتماعی مراجعه می نمایند. مانند خانواده ای که برای بهزیستی فرزند معلول خود، به موسسه یا مددکار اجتماعی مراجعه میکنند، یا افرادی که برای بهبود عملکرد و دستیابی به نتیجه مطلوب متقاضی ارائه خدمات هستند، مانند دانش آموزی که برای افزایش توانایی و اعتماد به نفس و موفقیت در کنکور به موسسه مراجعه مینماید.

دوم: افرادی که از سوی موسسات یا متخصصان دیگر به مددکار اجتماعی ارجاع داده میشوند. برای مثال زن و شوهری که در شرف طلاق هستند و از سوی قاضی به مددکار اجتماعی برای سازش و آشتی ارجاع داده میشوند.

سوم: افرادی هستند که خود به موسسه یا مددکار اجتماعی مراجعه نکرده اند بلکه، شرایط و مقتضیات محیط، آنان را در مقام مراجع قرار میدهد. مثال بارز گروه سوم زندانیان هستند.

درمورد اول و دوم اصل مشارکت مراجع خوب است، اما در زندان بدلیل اینکه اغلب مراجعان نه با میل و رغبت شخصی بلکه، به دلیل شرایط حبس به مددکار مراجعه می نمایند و مشارکت آنان برای حل مشکلات

یا رفع نیازشان کمتر دیده میشود. زیرا زندان دارای فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های خاص خود است و از جمله این فرهنگ‌ها، عدم اعتماد به زندانبان است.

از دیگر راه‌های برقراری اصل مشارکت این است که مراجع در سراسر فرایند مددکاری اجتماعی از جمله: جمع‌آوری اطلاعات (مرحله مطالعه)، تشخیص مشکلات یا نیازها و دسته‌بندی آنها، تدوین برنامه کمکی، مرحله ارزیابی برنامه‌های در حال اجرا و اجرا شده و مرحله پیگیری و ترخیص، مشارکت فعال داشته باشد. آشکار است مراجع زندانی، که به مددکار اجتماعی اعتماد ندارد، در تمام این مراحل، که لازمه آن ارتباط سازنده، اعتماد و راستگویی است، یا مشارکت نمیکند یا این امر به سختی امکانپذیر خواهد بود. بنابراین ایجاد زمینه‌های لازم در مراجع زندانی برای مشارکت، چالشی بزرگ در برابر مددکاران اجتماعی زندان است. اغلب زندانیان از اختلالات شخصیت، به ویژه اختلال شخصیت ضد اجتماعی رنج می‌برند. افراد مبتلا به این اختلال بصورت تکانشی، پرخاشگرانه و بی‌ملاحظه رفتار میکنند، بدون اینکه علایمی از ندامت نشان دهند. گاهی آنها برای اینکه خود را از وضعیت دشواری نجات دهند تظاهر به ندامت می‌کنند.

با توجه به مطالب بالا و اینکه شیوع اختلالات شخصیت، به ویژه اختلال شخصیت ضد اجتماعی، در بین زندانیان نسبت سایر افراد جامعه به مراتب بیشتر است، پیداست که برقراری ارتباط موثر و سازنده و ایجاد رابطه حرفه‌ای بین مددکار و مراجع زندانی امری مشکل و چالشی بزرگ است.

مشکلات مربوط به مددکاران اجتماعی زندان:

ماده ۳ آئین‌نامه اجرایی مددکاری اجتماعی سازمان زندانها اهداف مددکاری اجتماعی اینگونه بیان نموده:

الف) ایجاد زمینه‌های لازم در جهت اصلاح، تربیت و تهذیب مددجویان با استفاده از کارشناسان امور فرهنگی با تکیه به فرهنگ غنی اسلامی و دانش رفتارشناسی انسانی.

ب) پیشگیری از آثار سوء ناشی از محبوس شدن فرد.

ج) تلاش در جهت بازسازی شخصیت مددجویان با بهره‌وری از سنجش استعدادها.

د) تلاش در جهت تغییر و تعدیل تفکر مددجو و کمک جهت درک واقعیت‌های زندگی.

ه) ایجاد روحیه صبر و توکل و امید به آینده و بالا بردن اعتماد به نفس.

و) فراهم نمودن فرصت برای مسئولیت پذیری مددجویان.

ز) فراهم نمودن زمینه های بازگشت مجدد مددجویان به زندگی اجتماعی.

ح) شناسایی امکانات حرفه ای و استعدادها ی فنی مددجو جهت بازتوانی و اشتغال.

ملاحظه میشود اهداف مورد نظر مددکاری اجتماعی در زندان بسیار گسترده، پیچیده و زمان بر است.

عدم آگاهی و دانش علمی: متأسفانه استرس حرفه مددکاران اجتماعی در زندانها و درگیری در فعالیت روزمره، آنان را از مطالعه، تحقیق و فراگیری دانش روز مددکاری اجتماعی باز میدارد و آنان تنها به مطالعات قبلی و تجربیات گذشته تکیه میکنند. لذا شرایط ویژه زندان و زندانیان و مشکلات پیچیده آنان، لزوم مطالعه و تحقیق بیش از پیش، دایم و منسجم را مشخص می نماید.

درگیر شدن در فعالیتهای جانبی: در بسیاری موارد مددکاران اجتماعی از وظایف اصلی و ذاتی خود که همانا توانمند سازی و قادر سازی مددجویان است غافل شده و درگیر مسائل فرعی تر میشوند، به عنوان مثال توجه و پیگیری امور قضایی مددجویان به منظور آزادی آنان و یا تعیین تکلیف از سوی مراجع قضایی، گرچه اقدامی مثبت است اما نباید این مسائل مددکاران اجتماعی را از سایر وظایف خود بازدارد.

کاهش انگیزه و توجه به انجام وظایف از نظر کمی که این مساله نیز یکی دیگر از آسیب ها مددکاری میباشد.

عدم توجه مسئولان زندان به فعالیت های مددکاری اجتماعی:

در برخی موارد عدم اعتقاد مسئولین ذیربط در زندان باعث کاهش کارکرد اقدامات یاورانه میشود. در برخی موارد تا حد رابط اجرای احکام و پیگیری پرونده های قضایی مددجویان کاهش میدهند و با ارجاع امور غیر مرتبط به مددکاران اجتماعی آنان را از انجام وظایف اصلی خود باز میدارند.

واگذاری پست مددکاری اجتماعی زندان به دیگر گرایشهای تحصیلی از مشکلات دیگر میباشد. در حال حاضر در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، دانشگاهها در تمام مقاطع از فوق دیپلم تا دکتری به تربیت دانشجو در رشته مددکاری اجتماعی می پردازند و مددکاری اجتماعی به عنوان حرفه ای کاملاً تخصصی، پذیرفته و شناخته شده است.

واگذاری پست مددکاری اجتماعی به کارکنان بخش های دیگر:

پست مددکاری از جمله پستهای سازمانی است که از حقوق و مزایای نسبتاً بهتری نسبت به سایر پستهای اداری در سازمان زندانها برخوردار میباشد، به همین منظور اغلب کارکنان علی رغم خدمت در دیگر واحدهای سازمانی متقاضی دریافت این پست میباشند و متاسفانه در برخی موارد این امر تحقق می یابد. البته در مواردی نیز برخی کارکنان با پست سازمانی دیگر و تخصصی غیر مرتبط، وظایف مددکار اجتماعی را انجام می دهند.

مشکلات مربوط به شرایط حبس و زندان:

نگاهی به سیر تحولات تاریخی زندان، نشان می دهد که حبس واکنشی از سوی جامعه و حاکمان در برابر مجرمان و متخلفان به منظور مجازات آنان بوده است و زندان جایی است برای نگهداری متخلفان و بزهکاران و افراد نابهنجار. این طرز تفکر همچنان بر جوامع حاکم است، یعنی تصور و تلقی عموم مردم نسبت به زندانیان، منفی است. در این راستا مددکار اجتماعی برای توانمند سازی مددجو به گونه ای که بتواند به استقلال شخصی برسد با مشکل جدی روبروست.

آمار بالای جمعیت کیفری:

بالا بودن جمعیت کیفری زندانها بر کیفیت خدمات ارایه شده به زندانیان تاثیر منفی می گذارد.

عدم تناسب تعداد مددکاران اجتماعی با جمعیت مددجویان:

با نگاهی به جمعیت کیفری زندانها و تنوع و حجم بالای درخواستها و مشکلات زندانیان، تعداد مددکاران اجتماعی شاغل در زندانها برای پاسخگویی به این نیازها، بسیار اندک است. همین امر ارایه خدمات یاورانه و پاسخگویی به نیازهای مددجویان در زندان را با چالش جدی مواجه می سازد

نتیجه گیری:

مددکاری اجتماعی از جمله حرفه های یاورانه جهت خدمت به افراد، گروهها و جوامع برای توانمند سازی و قادرسازی آنان است، به گونه ای که بتوانند به استقلال و رضایت شخصی دست یابند. مددکاری اجتماعی مانند هر حرفه ی دیگری نیاز به آموزش و یادگیری دارد و البته پس از آموزش، اندوختن تجربه در افزایش

مهارت بسیار موثر است. محیط بسته زندان، دور بودن از اعضای خانواده، زندگی اجباری و تن دادن به مقررات و قوانین زندان، انگ زندانی خوردن، نگرشهای منفی جامعه نسبت به زندانیان، سوء پیشینه و مشکلات ناشی از یافتن شغل پس از آزادی، از دیگر چالشهای پیش روی مددکاران اجتماعی در زمینه توانمند سازی مددجویان است.

از سوی دیگر بنابر آمار و تحقیقات صورت گرفته بیشتر افرادی که مرتکب جرم می شوند از اختلالات روانی رنج می برند، شایع ترین اختلال روانی در زندانها، اختلال شخصیت ضد اجتماعی است. به روشنی می توان گفت که آموزش به اینگونه افراد و رهنمود آنان از سوی جامعه همواره از چالش برانگیزترین موضوعات پیش روی مددکاران اجتماعی زندانها است.

منابع و مراجع:

- (۱) جایگاه مددکاری در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲) جهاد دانشگاهی، سازمان بهزیستی
 - (۲) مقدمه ای بر جامعه شناسی زندان، علی شمس
 - (۳) مهارتهای کمک کردن به افراد، خانواده ها و گروهها - شولمن لارنس (۱۳۷۸)
 - (۴) اصول و مبانی مددکاری اجتماعی، مری دابلیو مافت و خوزه. بی اشفورد (۱۳۷۵) ترجمه خدیجه السادات غنی آبادی.
- تهیه کننده: مرتضی مقیسه - کارشناس مسئول مشاوره و مددکاری مجتمع حرفه آموزی و کاردرمانی سمنان